

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال هفتم، شماره دوم، پیاپی (۲۱)، تابستان ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۱

صص ۱۵۲ ° ۱۲۹

مطالعه ارزش‌های اجتماعی طبقات مختلف جامعه (مطالعه موردی: والدین خانوارهای شهر شیراز)

سید سعید زاهد زاهدانی*^۱، سید ابراهیم مساوات^۲

چکیده

انسان برای تأمین نیازهای خود وابسته به جامعه است، از سوی دیگر جامعه نیز ضوابطی را برای افراد تعیین و بوسیله فرهنگ معرفی می‌کند. هر طبقه اجتماعی، فرهنگ خاص خود را دارد که از توافقات تاریخی-اجتماعی افراد آن طبقه نشأت می‌گیرد. یکی از عناصر اساسی فرهنگ «ارزش‌های اجتماعی» است. ارزش‌های اجتماعی، مقاصد و هدف‌های مطلوبی است که افراد جامعه برای دستیابی به آن‌ها فعالیت می‌کنند تا بدین وسیله نیازها و خواسته‌های خود را برآورده سازند. این تحقیق به منظور مطالعه ارزش‌های رایج در طبقات مختلف جامعه در شهر شیراز انجام شده است. در این راستا تعداد ۳۸۳ پرسشنامه محقق ساخته در میان والدین

خانوارهای شیراز از طریق نمونه گیری خوشه‌ای تصادفی، توزیع گردید. بر اساس چارچوب نظری زاهد (۱۳۸۴) و تقسیم بندی نوینی که از ارزش های جامعه به عمل آمد، روابط قابل توجهی بین انواع ارزش ها با طبقات بالا، متوسط و پایین جامعه بدست آمد. بر اساس نتایج رابطه معناداری بین ارزش های بنیادی مدرن، ارزش های تخصصی مدرن، ارزش های عمومی اسلامی و ارزش های عمومی مدرن با طبقات اجتماعی وجود دارد. اما بین ارزش های بنیادی اسلامی و ارزش های تخصصی اسلامی با طبقات اجتماعی رابطه معنی داری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: طبقه اجتماعی، ارزش های بنیادی اسلامی و مدرن، ارزش های تخصصی اسلامی و مدرن، ارزش های عمومی اسلامی و مدرن.

مقدمه

زندگی اجتماعی انسان با برقراری روابط متقابل اجتماعی در گروه‌های مختلف معنا پیدا می کند. هر فرد جامعه از طریق این گروه‌ها به جامعه پیوند می خورد و نیازهای زیستی، اجتماعی و روانی خود را تأمین می کند، که از مهمترین آنها طبقه اجتماعی است. «طبقه اجتماعی» به بخشی از اعضای جامعه اطلاق می شود که از نظر ارزش های مشترک، حیثیت، فعالیت های اجتماعی، میزان ثروت و متعلقات شخصی دیگر و نیز آداب معاشرت از بخش های دیگر جامعه تفاوت داشته باشد (کوئن^۱، ۱۳۸۵: ۱۷۸).

انسان برای تأمین نیازهای خود وابسته به جامعه است، از سوی دیگر جامعه نیز ضوابطی را برای افراد تعیین و بوسیله فرهنگ معرفی می کند. فرهنگ به مفهوم عام خود به معنای تمام آموخته‌ها و اندوخته‌های انسان در طول تاریخ حیات اجتماعی، عامل انسجام اجتماعی و در بردارنده میراث اجتماعی جامعه است. انسان با دستاوردهای فرهنگ خود زندگی اجتماعی را نه تنها تداوم می بخشد؛ بلکه به ثبات آن یاری می رساند. در این مقاله ما فرهنگ را به «مجموعه ادراکات انسانی که به توافق جمع رسیده باشد» تعریف می نماییم. بر اساس آموزه‌های قرآنی هر انسان دارای سه وسیله شناخت تحت نام های حس، عقل و دل است (مطهری، ۱۳۶۱: ۲۷-۴۲). بنا به تعریف فوق، مجموعه ادراکات حاصل از حس، عقل و دل که در یک اجتماع و یا

جامعه به توافق رسیده باشد فرهنگ را بوجود می‌آورد (زاهد، ۱۳۸۴: ۸۳).

هر طبقه اجتماعی، فرهنگ خاص خود را در فرهنگ کلی جامعه دارد. فرهنگ هر طبقه از توافقات تاریخی- اجتماعی افراد آن طبقه نشأت می‌گیرد یکی از عناصر اساسی فرهنگ «ارزش‌های اجتماعی» است. ارزش جزء اصلی سازنده فرهنگ به شمار می‌رود که ثبات یا تغییر آن موجب ثبات یا تغییر فرهنگ‌ها در جوامع در طول زمان و مکان می‌شود و به طبع آن ثبات یا دگرگونی جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ارزش‌ها به عنوان یکی از اجزای اصلی فرهنگ (چلبی، ۱۳۷۵) و نظام شخصیتی افراد، بر الگوهای رفتاری و فکری، رفتارها و ترجیحات سیاسی و اجتماعی و... تأثیر بسیار مهمی دارد. پی بردن به نظام ارزشی جامعه، ما را با عناصر فرهنگی آن جامعه که سوق دهنده کنش و رفتار افراد است، آشنا می‌کند. نظام شخصیتی هر جامعه در بطن نظام ارزشی آن جامعه نهفته است و با کسب آگاهی و بینش درباره این نظام ارزشی می‌توان به بررسی تأثیر و تأثر آن بر نظام شخصیتی آن جامعه دست یافت. ارزش‌ها، الگوهای رفتاری عینی-ذهنی نسبتاً پایداری هستند که مطلوبیت آن‌ها از سوی افراد جامعه برای مدت زمان معینی پذیرفته شده و به مثابه راهنمای اعمال انسان‌ها عمل می‌کند (پوریانی، ۱۳۸۵: ۵۱). در این مقاله تعریف و مبنای نویسندگان از ارزش‌ها بر اساس تعریفی است که از فرهنگ ارائه شد (زاهد، ۱۳۸۴) که در ادامه بصورت روشن تر منظور از ارزش‌ها تشریح می‌گردد.

طبقه اجتماعی یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده رویکردها و رفتار افراد بشمار می‌رود (کوئن، ۱۳۸۵: ۱۸۴). هر طبقه‌ای سبک زندگی ویژه، رویکردها و باورداشت‌های مخصوص و مقبول خود را دارد. اولویت‌هایی که افراد به ارزش‌ها می‌دهند یکسان نیست، این اولویت‌ها معمولاً بازتاب تجربه‌های جامعه پذیری است. بر این اساس سؤالی که مطرح می‌شود این است که ارزش‌های رایج در طبقات مختلف اجتماعی چیستند و چه رابطه‌ای بین عوامل تعیین کننده این طبقات و ارزش‌های مختلف وجود دارد؟ چه رابطه‌ای بین ارزش‌های طبقات مختلف جامعه وجود دارد؟

در این تحقیق دو هدف عمده را دنبال می‌کنیم. هدف کلی این است که نظام ارزشی جامعه ما چیست و بر چه اساسی قرار دارد؟ از سوی دیگر در تلاش هستیم تا رابطه این نظام

ارزشی را با طبقات مختلف اجتماعی در جامعه بیایم. به عبارت دیگر می‌خواهیم بدانیم ارزش‌های اجتماعی طبقات مختلف جامعه چیست و منشأ هر یک از کجاست.

مروری بر مطالعات پیشین

تحقیقات داخلی

علی‌رغم اینکه مسئله طبقات اجتماعی و ارزش‌های رایج در آن‌ها موضوعی بسیار مهم و قابل بررسی است، اما در تحقیقات داخلی با موارد نادری مواجه می‌شویم که بطور میدانی بر روی این موضوع کار کرده باشند. بنابراین با توجه به کمبود منبع، به تحقیقاتی که توانستیم دسترسی پیدا کنیم اشاره می‌نمایم.

خیر (۱۳۷۶) در مقاله‌ای به بررسی رابطه طبقه اجتماعی با پیشرفت تحصیلی پرداخته است. وی با توجه به نتایج تحقیق بیان می‌کند از آنجا که پیشرفت تحصیلی در طبقات اجتماعی بالاتر - با توجه به شغل پدر و تحصیلات والدین - یک ارزش شمرده می‌شود، بنابراین میزان آن نسبت به طبقات پایین‌تر، بیشتر است.

علمی (۱۳۸۴) در تحقیقی به مطالعه گرایش دانشجویان به ارزش و رابطه آن با طبقه اجتماعی می‌پردازد. وی بیان می‌کند که افراد متعلق به طبقه اجتماعی خاص، نظام ارزش خاصی دارند و اولویت‌های ارزشی آنان با طبقات اجتماعی دیگر متفاوت است. بر اساس نتایج این پژوهش بطور کلی اولویت‌های ارزشی دانشجویان به ترتیب، ارزش اجتماعی (۵۲/۴۹)، ارزش دینی (۵۲/۰۲)، ارزش نظری (۵۱/۹۸)، ارزش اقتصادی (۴۹/۵۱)، ارزش سیاسی (۴۹/۱۷) و ارزش زیباشناختی (۳۸/۹۱) است. آزمون‌های آماری نشان داد که متغیر گرایش‌های ارزشی دانشجویان تفاوت معنی‌داری با توزیع نرمال دارد. همچنین تأیید شد که تفاوت معنی‌داری بین رتبه‌های گرایش‌های ارزشی وجود دارد. مهرآیین و عبدی (۱۳۸۵) نیز در مقاله خود به نتایج تقریباً مشابهی با خیر رسیده‌اند.

جهانگیری و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی که بر اساس مدل برنشتاین انجام داده بودند نتیجه‌گیری می‌کنند که دانش‌آموزان در خانواده‌های طبقه متوسط بالا و قشرهای وابسته به آن نسبت به دانش‌آموزان در خانواده‌های طبقه پایین و قشرهای وابسته به آن به لحاظ آگاهی،

تجربیات اجتماعی گسترده‌تر و نیز توجه بیشتر والدین در زمینه آموزش و تحصیل، از گونه زبانی گسترده بهره‌مند می‌گردند و در نتیجه از نظر اطلاعات عمومی، مهارت و روانی در کاربرد گونه زبانی خود در گفتار و نوشتار در رده بالاتری قرار می‌گیرند. ولی به هر حال، چنین طرح‌بندی زبانی ناشی از اختلافات اجتماعی و فاصله طبقاتی اجباراً ثابت و غیرقابل تغییر نیست.

وثوقی و اکبری (۱۳۸۹) به بررسی ادبیات مربوط به تغییر ارزش‌ها در دو سطح خرد و کلان، به بررسی روندها و عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها در ۳۳ کشور جهان پرداخته‌اند. با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی، تغییرات ارزشی در دو بُعد ارزش‌های بقا/خوداظهاری و ارزش‌های سنتی/سکولار-عقلانی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد، کشورهای مورد بررسی ۹ نوع تغییر ارزش را نشان می‌دهند. ۲۳ کشور تغییر ارزشی به سمت ارزش‌های خوداظهاری و ۱۹ کشور به سمت ارزش‌های سکولار-عقلانی داشته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که ارزش‌ها در کشورهای مختلف در حال تغییر است و الگوی عامی را برای جهت و سرعت تغییرات ارزشی در میان تمام کشورها نمی‌توان تشخیص داد. بررسی عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها با استفاده از جبر بولی نشان داد که افزایش توسعه اقتصادی همراه با کاهش تورم باعث تغییر ارزش‌ها به سمت ارزش‌های خود‌اظهاری می‌شود. اما در مورد تغییر ارزش‌های سنتی/سکولار-عقلانی، الگوی مشخصی تشخیص داده نشد.

تحقیقات خارجی

در کشورهای گوناگون بخصوص کشورهای غربی، مطالعات گسترده‌ای در زمینه ارزش‌ها و طبقات مختلف اجتماعی صورت گرفته است که بیانگر اهمیت و جایگاه این مسئله نزد اندیشمندان غربی است. لازم به ذکر است که معمولاً در هر تحقیقی ابعاد خاصی از ارزش‌های موجود در طبقات اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است.

ضریب همبستگی بین شاخص‌های طبقه اجتماعی و پیشرفت تحصیلی در تحقیقات متعدد بین ۰/۳۵ تا ۰/۵۰ گزارش گردیده است که مقدار آن بستگی به روش تحقیق و انتخاب نوع

شاخص طبقه اجتماعی بوده است (فادرینگهام و کریل^۱، ۱۹۸۰). یکی از علل احتمالی تفاوت معنی داری بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در طبقه اجتماعی بالا و پایین اجتماعی این است که دانش آموزان طبقه اجتماعی بالا نگرش مطلوب تری نسبت به تحصیلات، مدرسه و معلم دارند (فورمن و اینلی^۲، ۱۹۹۱ به نقل از فادرینگهام و کریل^۳، ۱۹۸۰). بر این اساس به نظر می رسد که نگرش مطلوب به تحصیلات و درس به عنوان یک ارزش اجتماعی در طبقات بالا از اهمیت بیشتری برخوردار است.

نتیجه تحقیقی که در نیجریه انجام شد نشان داد که رابطه معنی داری بین طبقه اجتماعی و پیشرفت تحصیلی وجود دارد. در توضیح این یافته گفته شده است که دانش آموزان طبقه اجتماعی بالا نسبت به سایر طبقات اجتماعی نگرش مطلوب تری نسبت به مدرسه دارند (مقصود^۴، ۱۹۸۳).

سوانک^۵ (۲۰۰۵) در پژوهش خود به دنبال ارزش‌های گذران اوقات فراغت در میان دانشجویان پرداخته است. نتایج نشان می دهد که تمایل به سوی نحوه گذران اوقات فراغت می تواند بوسیله طبقه، نژاد و جنسیت دانشجویان در نوسان باشد. بدین ترتیب هرچه طبقه اجتماعی افراد بالاتر باشد، معمولاً راه‌های متنوع تری برای گذراندن اوقات فراغت وجود دارد. جیسکینگ^۶ (۲۰۰۷) در پژوهشی هنجارهای جنسیتی و طبقاتی را در میان ۳۲ نفر از دانشجویان و فارغ التحصیلان یک کالج معتبر دختران در امریکا بررسی کرده است. به بیان وی طبقه زنان و هنجارهای جنسیتی و انتظارات آنان، در تجربه زندگی روزمره شان تولید و بازتولید می شود. نتایج نشان می دهد که هنجارهای طبقاتی در طول نسل‌ها ثابت مانده است ولی هنجارهای جنسیتی شدیداً تغییر کرده است چراکه زنان امتیازهای جدیدی دریافت کرده اند. انتقال در هنجارهای جنسیتی زنان همچنین با تغییرات در فضای اجتماعی بزرگ تر و اینکه شکاف خاصی در نحوه مشارکت و عکس العمل‌های زنان رخ داده است، مرتبط است.

1 - Fatheringham & Creal.

2 - Forman & Ainley

3 - Fatheringham & Creal.

4 - Maqsud.

5 - Swank

6 - Giesecking

اون^۱ و وایدرز^۲ (۲۰۰۹) سرمایه اجتماعی را در میان طبقات مختلف سنجیده اند. به نظر آن‌ها شواهدی وجود دارد که بیان می‌کند درآمد بیشتر بر انباشت سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. به نظر می‌رسد شاخص‌های سرمایه اجتماعی، ارزش‌هایی هستند که با تغییر طبقات اجتماعی و حرکت عمودی طبقاتی، بیشتر می‌شود.

هیمن رودمان^۳ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای به بررسی محدودیت شکنی ارزش‌ها در طبقه پایین می‌پردازد. وی دو پیش‌فرض متناقض را بیان می‌کند: (۱) جامعه مبتنی بر سیستم ارزشی عمومی است؛ (۲) جامعه بر مبنای سیستم‌های ارزشی طبقات مختلف است. مفهوم محدودیت شکنی ارزش طبقه پایین بعنوان راه حلی برای برخی از این تناقضات و فهم بهتر رفتار طبقه پایین مطرح می‌شود. این مفهوم به دامنه گسترده‌ای از ارزش‌ها و درجه کمی از تعهد به این ارزش‌های موجود در طبقه پایین برمی‌گردد. نتایج نشان می‌دهد که محدودیت شکنی ارزش پاسخ اصلی طبقه پایین به موقعیت محروم‌شان است.

مورگان آمز^۴ و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود ارزش‌ها و انتخاب‌های تکنولوژی را در طبقات اجتماعی مطالعه کرده‌اند. آن‌ها می‌گویند والدین در طبقات مختلف ارزش‌های مختلفی دارند و رویه‌های متفاوتی را در استفاده از تکنولوژی بکار می‌برند. بعلاوه این ارزش‌ها و رویه‌ها منعکس‌کننده تفاوت‌های ساختاری در زندگی روزمره آن‌هاست.

وایتکین^۵ و استنکیویس^۶ (۲۰۱۱) در تحقیقی به دنبال ارزش‌های مصرف‌کنندگان کالا بودند. نتایج حاصل از کار آن‌ها نشان می‌دهد که سرمایه اقتصادی^۷ طبقه - اجتماعی و فرهنگی مصرف‌کنندگان با ارزش‌های مؤثر در خرید مصرف‌کنندگان رابطه دارد.

1 - Owen

2 - Videras

3 - Hyman Rodman

4 - Morgan G. Ames

5 - Vaitkiene

6 - Stankevic

چارچوب نظری تحقیق

زاهد (۱۳۸۴) در مقاله ای به بررسی مفهوم فرهنگ پرداخته و بر اساس تقسیم بندی‌هایی که به عمل می‌آورد، تلاش می‌کند این مفهوم را بر اساس شرایط موجود جامعه ایران، تقسیم بندی نماید. وی جهت توضیح نظر خود اینچنین بحث می‌نماید:

ما فرهنگ را به « مجموعه ادراکات انسانی که به توافق جمع رسیده باشد » تعریف می‌نماییم. بر اساس آموزه‌های قرآنی هر انسان دارای سه وسیله شناخت تحت نام‌های حس، عقل و دل است (مطهری، ۱۳۶۱: ۲۷-۴۲). بنا به تعریف فوق، مجموعه ادراکات حاصل از حس، عقل و دل که در یک اجتماع و یا جامعه به توافق رسیده باشد فرهنگ را بوجود می‌آورد.

می‌توانیم به مجموعه ادراکات ناشی از حس نام محسوسات، مجموعه ادراکات ناشی از عقل نام معقولات و مجموعه ادراکات ناشی از قلب نام اشراقات یا باورها بنهیم. اشراقات یا باورها در واقع نظام ارزش‌های هر فرد را تشکیل می‌دهند. در بعد اجتماعی مجموعه دریافت‌های حسی یا محسوسات به توافق رسیده جمع، مجموعه تکنولوژی یا فن‌آوری‌های اجتماعی و مهارت‌ها را تشکیل می‌دهد. در اینجا منظور ما از فن‌آوری دریافت‌های «چگونگی» انجام کارهای مختلف است و «مهارت» درجه این چگونگی را بطور نسبی بیان می‌دارد. مجموعه ادراکات عقلی جمعی، علم معرفت جامعه را تشکیل می‌دهد و مجموعه اشراقات یا باورهای جمعی، منتهی به نظام ارزش‌ها و اخلاق جمعی جامعه می‌شود.

سه مجموعه «فناوری و مهارت‌ها»، «علم و معرفت» و «نظام ارزش‌ها و اخلاق جمعی»، ابعاد مختلف هر فرهنگ را تشکیل می‌دهند. باید دانست که این سه مجموعه اجزای گسسته از یکدیگر نیستند. بلکه ابعاد سه گانه فرهنگ را می‌سازند. نسبت برقرار میان فناوری و مهارت‌ها، علم و معرفت و نظام ارزش‌ها و اخلاق جمعی به گونه ایست که اگر سه کره تو در تو را در نظر آوریم، نظام ارزش‌ها و اخلاق جمعی کره مرکزی، علم و معرفت کره میانی و فناوری و مهارت‌ها کره بیرونی را تشکیل می‌دهد.

فرهنگ هر جامعه را از نظر سطح تحقق و عمق می‌توان به سه لایه تقسیم نمود: فرهنگ بنیادی، فرهنگ تخصص و فرهنگ عمومی. فرهنگ بنیادی ریشه‌های اصلی فرهنگ و جهت

کلیه عناصر فرهنگی را معین می‌کند. فرهنگ تخصصی زمینه اجرای اهداف فرهنگ بنیادی را تبیین و روشن می‌نماید و فرهنگ عمومی بخش عملیاتی و اجرایی نظام فرهنگی است. این سه سطح از فرهنگ را نیز مانند سه بعد از فرهنگ که قبلاً از آنان یاد شد، می‌توانیم به سه کره تو در تو تشبیه نماییم که فرهنگ بنیادی کره مرکزی و فرهنگ عمومی کره بیرونی را تشکیل می‌دهد.

می‌توان گفت میان فناوری و مهارت‌ها، علم و معرفت و نظام ارزش‌ها و اخلاق جمعی و نیز فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی و فرهنگ بنیادی رابطه به ترتیب روبنایی و زیربنایی هم وجود دارد ضمن اینکه عوامل روبنایی به نوبه خود در عوامل زیربنایی مؤثر هستند. عناصر زیربنایی تأثیرپذیریشان کمتر و تعیین‌کنندگی شان بیشتر است.

برای دست‌یابی به الگوی فرهنگی هر جامعه با توجه به اینکه هر فرهنگ دارای سه بعد است، اگر سه بعد فرهنگ را در سه لایه فرهنگ‌های بنیادی، تخصصی و عمومی ضرب کنیم ماتریس نمای یک برای کل مجموعه فرهنگ بدست می‌آید. بعبارت دیگر در این ماتریس بدنبال کشف سه بعد سه فرهنگ بنیادی، تخصصی و عمومی در ارتباط با یکدیگر بطوری که سه لایه بودن این سه نوع از فرهنگ نیز فراموش نشود هستیم.

جدول ۱- ماتریس یا الگوی فرهنگ

فناوری و مهارت‌ها	علم و معرفت	نظام ارزش‌ها و اخلاق جمعی	ابعاد لایه‌های فرهنگ
فناوری و مهارت‌های بنیادی	علم و معرفت بنیادی	ارزش‌ها و اخلاق بنیادی	بنیادی
فناوری و مهارت‌های تخصصی	علم و معرفت تخصصی	ارزش‌ها و اخلاق تخصصی	تخصصی
فناوری و مهارت‌های عمومی	علم و معرفت عمومی	ارزش‌ها و اخلاق عمومی	عمومی

(زاهد، ۱۳۸۴: ۸۵)

در مورد فرهنگ بومی در ایران می توان ماتریس فرهنگ را بصورت زیر ترسیم نمود:

جدول ۲- الگو یا ماتریس اصطلاحات موجود در ابعاد لایه های فرهنگ بومی یا ملی - اسلامی ایران

ابعاد لایه های فرهنگ	نظام ارزش ها و اخلاق جمعی	علم و معرفت	فناوری و مهارت ها
بنیادی	توحید و حق محوری با تأکید بر برداشت های علمای اصولی	عقلانیت دینی گرفته شده از رسول اکرم و ائمه اطهار	تنظیم امور بر اساس تقوا و دنیا- آخرت گرایی
تخصصی	کلام، فلسفه، مبانی هنرها، مبانی علوم و علوم انسانی بومی- اسلامی	علوم قرآنی، رجال، درایه، تفسیر، هنرهای تخصصی و علوم پایه مبتنی بر فرهنگ بنیادی اسلامی و علوم انسانی بومی- اسلامی	فقه، علوم مهندسی و کاربردی متناسب با فرهنگ بومی- اسلامی
عمومی	عقاید عمومی ارزش ها و هنجارهای اخلاقی بومی- اسلامی (عدالت خواهی، ظلم ستیزی، جوانمردی...)	هنرها و دانش و معرفت عمومی بومی- اسلامی	شیوه زندگی بومی- اسلامی

(زاهد، ۱۳۸۴: ۸۷)

در فرهنگ بومی ما توحید و حق محوری با تأکید بر برداشت های علمای اصولی ظرفیت فرهنگ را تعیین می کنند. کلام، فلسفه، مبانی هنرها و مبانی علوم انسانی بومی- اسلامی تعیین کننده جهت فرهنگ می باشند. عقاید عمومی و ارزش ها و هنجارهای اخلاقی بومی- اسلامی (عدالت خواهی، ظلم ستیزی، جوانمردی و...) عاملیت فرهنگ هستند. یعنی آن را عملیاتی می کنند. عقلانیت دینی گرفته شده از رسول اکرم و ائمه اطهار محور ساختار فرهنگ و علوم قرآنی، رجال، درایه، تفسیر، هنرهای تخصصی و علوم پایه مبتنی بر فرهنگ بنیادی اسلامی و علوم انسانی بومی- اسلامی ظرفیت تصرفی، فرهنگ را می سازند. هنرها و دانش و معرفت

عمومی بومی-اسلامی ساختار تبعی است. تنظیم امور بر اساس تقوا و دنیا-آخرت گرایی بعنوان هماهنگ کننده، صورت می پذیرد. فقه، علوم مهندسی و کاربردی متناسب با فرهنگ بومی-اسلامی وسیله اجرای فرهنگ و شیوه زندگی بومی-اسلامی زمینه فرهنگ بومی-اسلامی می باشد (زاهد، ۱۳۸۴: ۸۳-۸۸).

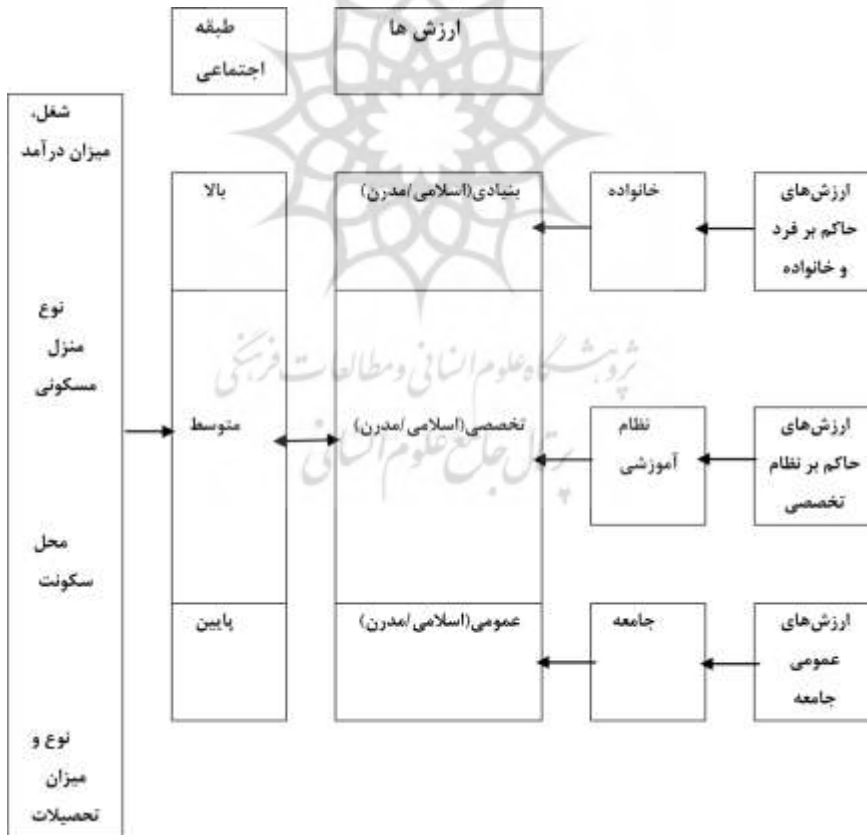
از آنجا که در این پژوهش درصدد بررسی رابطه طبقات اجتماعی با ارزش‌های رایج جامعه هستیم، از ماتریس ارائه شده، ارزش‌های بنیادی، ارزش‌های تخصصی و ارزش‌های عمومی را اقتباس کرده و به بررسی آن‌ها می پردازیم. لازم به ذکر است آنچنان که بیان کردیم ارزش‌ها در جامعه اسلامی مبانی خاصی دارد؛ اما در مقابل آن، این ارزش‌ها می‌توانند برگرفته از فرهنگ غرب و مدرن باشد و به گونه‌ای کاملاً معکوس باشد. به گونه‌ای که ارزش‌های بنیادی بر اساس انسان گرایی و دنیاگرایی و لذت جویی باشد. ارزش‌های تخصصی مبتنی بر فلسفه، مبانی علوم و هنرها و علوم انسانی رایج غربی باشد و نهایتاً ارزش‌های عمومی بر پایه ارزش‌ها و عقاید عمومی و هنجارهای اخلاقی رایج در جوامع غربی باشد. جهت روشن تر شدن مسئله، ماتریس اصطلاحات موجود در فرهنگ غرب را نیز ارائه می‌نماییم:

جدول ۳- الگو یا ماتریس اصطلاحات موجود در ابعاد لایه‌های فرهنگ غرب (مدرن)

فناوری و مهارت‌ها	علم و معرفت	نظام ارزش‌ها و اخلاق جمعی	ابعاد لایه‌های فرهنگ
عملگرایی و اصالت فایده	خردگرایی محض و عقل ابزاری	انسانگرایی و دنیاگرایی و لذتجویی	بنیادی
علوم مهندسی و کاربردی رایج	هنرهای تخصصی و علوم پایه و علوم انسانی رایج	فلسفه، مبانی علوم و هنرها و علوم انسانی رایج	تخصصی
شیوه زندگی مدرن	هنرها و دانش و معرفت عمومی بشری مبتنی بر علوم پایه و علوم انسانی رایج	ارزش‌ها و عقاید عمومی و هنجارهای اخلاقی رایج در کشورهای غربی	عمومی

جامعه ما در طی قرون اخیر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم^۰ از طریق سازمان‌های بین‌المللی و دستگاه‌های فکری - با بینش‌ها و محصولات فرهنگ غرب آشنا شده و این فرهنگ مدرن کم‌کم در قسمت‌های مختلف جامعه رسوخ کرده است و موجب شکل‌گیری گونه‌ای دیگر از ارزش‌ها در جامعه شده است. در پژوهش بر آن هستیم که این دوگانگی ارزش‌ها را در طبقات مختلف اجتماعی بررسی کرده و بدانیم هر یک از طبقات با چه نوع ارزش‌هایی سازگاری دارند. لازم به ذکر است که ریشه ارزش‌های بنیادی در ارزش‌های حاکم بر فرد و خانواده، ارزش‌های تخصصی در ارزش‌های حاکم بر نظام تخصصی جامعه (نهادهای آموزشی) و ارزش‌های عمومی در ارزش‌های عمومی جامعه بطور کلی است.

مدل تحقیق



فرضیه‌ها

- ۱- بین ارزش‌های بنیادی اسلامی و طبقه اجتماعی افراد رابطه وجود دارد.
- ۲- بین ارزش‌های بنیادی مدرن و طبقه اجتماعی افراد رابطه وجود دارد.
- ۳- بین ارزش‌های تخصصی اسلامی و طبقه اجتماعی افراد رابطه وجود دارد.
- ۴- بین ارزش‌های تخصصی مدرن و طبقه اجتماعی افراد رابطه وجود دارد.
- ۵- بین ارزش‌های عمومی اسلامی و طبقه اجتماعی افراد رابطه وجود دارد.
- ۶- بین ارزش‌های عمومی مدرن و طبقه اجتماعی افراد رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق با روش تحقیق کمی به شیوه پیمایشی، انجام پذیرفته است که شیوه‌ی مناسبی برای تحقیقاتی از این دست محسوب می‌شود، زیرا جامعه‌ی آماری و حجم نمونه مورد بررسی گسترده بوده است. چارچوب نمونه‌گیری تحقیق محدوددهی مصوب شهر شیراز بود. شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بود. شهر شیراز ۸ منطقه وجود دارد که تمامی آنها انتخاب شدند. از هر منطقه چهار حوزه به گونه تصادفی برگزیده و سپس در درون هر حوزه دو بلوک انتخاب گردید. بلوک‌های کوچک‌تر به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شدند. خانوارهای درون خوشه‌ها مورد بررسی قرار گرفتند و در صورت حضور هر یک از والدین پرسشنامه‌ای محقق ساخته به آن‌ها تحویل داده شد. برای محاسبه‌ی حجم نمونه پژوهش از روش نمونه‌گیری لین استفاده شد (Lin, 1978: 446-447).

تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق

* طبقه اجتماعی: در این تحقیق ما تعریف وارنر از طبقه را مدنظر قرار می‌دهیم. وی طبقه را اینگونه تعریف می‌کند: « دو یا چند قشر اجتماعی که بر پایه باور افراد اجتماع و وسیله آنان در پایگاه‌های اجتماعی برتر و فروتر گروهبندی شده از ... برای ورود به هر طبقه باید در کنش‌های رویارویی شرکت کرد تا مورد پذیر دیگر اعضای گروه واقع شد» (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۴: ۶۴).

وارنر از معیارهایی مانند شغل، میزان درآمد، منبع درآمد، نوع منزل مسکونی، محل سکونت، تحصیلات برای اندازه گیری پایگاه و طبقه اجتماعی افراد استفاده می کند (وارنر، ۱۹۶۰: ۱۳۸-۱۵۶). در این پژوهش طبقات به سه دسته بالا، متوسط و پایین تقسیم شده‌اند و برای سنجش آن، از معیارهای نام برده توسط وارنر استفاده گردیده است.

* ارزش‌های بنیادی اسلامی: ارزش‌های بنیادی ریشه‌های اصلی ارزش و جهت کلیه عناصر ارزشی را معین می کند. در فرهنگ بومی ما توحید و حق محوری با تأکید بر برداشت‌های علمای اصولی ارزش‌های بنیادی اسلامی را تعیین می کنند (زاهد، ۱۳۸۴: ۸۷). برای سنجش عملی این متغیر از گویه‌های: احساس نزدیکی به خدا، حل مشکلاتان توسط امدادهای غیبی، تأثیر یاد مرگ و آخرت بر رفتارهای شما، احساس تنبیه توسط خداوند به خاطر خطاکاری، شکل ظاهری (لباس یا آرایش مو) بر اساس باورهای دینی، احساس آرامش روحی به دلیل عمل به دستورات دینی، اعتقاد به فرشتگان و شیطان، قیامت، بهشت و جهنم، معجزه، گناه، توبه و ثواب و حلال و حرام و حاکمیت از آن خداست؛ استفاده شد. پایایی آن ۸۷/۵ بود.

* ارزش‌های بنیادی مدرن: ارزش‌های بنیادی مدرن که به معنای گرایش‌های قلبی است بر اساس انسان گرایی، دنیاگرایی و لذت جویی بنا شده است (همان: ۸۶). گویه‌های: اصل حاکمیت انسان و اصالت علم، بهترین نوع حکومت فعلی در دنیا لیبرال دموکراسی است، به هنجارهای سیاسی بشری بهتر از هنجارهای سیاسی الهی می توان عمل کرد، رأی اکثریت مهمترین عامل مشروعیت حکومت است، اداره امور دینی با علما و اداره امور سیاسی با دولتمردان آزاد است و اصالت لذت مهم است؛ جهت عملیاتی کردن بکار برده شد. پایایی آن ۷۶/۴ است.

* ارزش‌های تخصصی اسلامی: ارزش‌های تخصصی زمینه اجرای اهداف ارزش‌های بنیادی را تبیین و روشن می نماید: معرفت شناسی و هستی شناسی الهی. این ارزش‌ها در واقع بیانگر بینش‌های اسلامی است. برای عملیاتی کردن سؤالاتی چون: غذایی که انسان می خورد بر روح او تأثیر می گذارد، آرایش کردن افراد در اجتماع موجب ناخشنودی خداوند می گردد، مصرف بیش از نیاز روزانه سبب از بین رفتن سرمایه‌های جامعه می گردد، صدقه دادن از فرود آمدن بلا جلوگیری می کند، اسراف کردن یک عمل غیر انسانی است، مهمترین عامل در

انتخاب لباس برای من، مطابقت آن با مذهب است، حداقل هفته‌ای یکبار از پول خود صدقه می‌دهم، برای حکومت کردن باید از احکام اسلامی استفاده کرد، دین و سیاست دو مقوله جدا از هم نیستند، ولایت فقیه نظریه‌ای است که باید به آن عمل کرد، امام زمان روزی حاکمیت سیاسی را بدست می‌گیرد، مردم سالاری دینی از انواع مشروع حکومت است؛ مطرح گردید. پایایی آن ۷۵ بود.

* ارزش‌های تخصصی مدرن: منظور ارزش‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی مربوط به دنیای مدرن است که **بینش** غربی را تشکیل می‌دهد؛ گویه‌های: اگر لازم باشد، باید از هر راهی برای پُر کردن شکم خود و فرزندانش پول بدست آورد، مسائل خرید روزانه و مصارف معمولی ربطی به مذهب ندارد، نباید پول خود را صرف مسائلی چون نذر و نیاز و... کرد، جلوگیری از مصرف بیش از نیاز مواد غذایی ارتباطی به مذهب ندارد، تکرار در رفتن به اماکن مذهبی، موجب هدر دادن سرمایه می‌گردد، برای من سفر به مناطق گردشگری و توریستی بهتر از سفر به اماکن مذهبی است، لباس پوشیدن از جمله مسائلی است که با عرف جامعه تغییر می‌کند و ربطی به مذهب ندارد، من لباس‌هایم را مطابق با عرف جامعه انتخاب می‌کنم، اگر کسی به من هدیه‌ای دهد، می‌پذیرم و برایم مهم نیست که پول آن از چه راهی بدست آورده است، هنگامی که کسی مرا به ناهار دعوت می‌کند، می‌پذیرم و برایم مهم نیست که پول آن از چه راهی بدست آورده است، پوشیدن لباس‌ها و مانتوهای تنگ ایرادی ندارد، اعتقاد به فلسفه حکومت اکثریت، مسائل خرید روزانه و مصرف ربطی به مذهب ندارد؛ برای عملیاتی کردن بکار رفت. پایایی آن ۷۴/۵ بود.

* ارزش‌های عمومی اسلامی: ارزش‌های عمومی بخش عملیاتی و اجرایی نظام ارزشی می‌باشد. عقاید عمومی و ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی بومی-اسلامی (عدالت خواهی، ظلم ستیزی، جوانمردی و...) تشکیل دهنده ارزش‌های عمومی اسلامی اند؛ (همان: ۸۷). اعمالی مانند: روزه واجب، رجوع به روحانیون جهت سؤالات دینی، حضور در مجالس عزاداری دینی، حضور در جشن‌های دینی، مطالعه‌ی کتب دینی و یا در ارتباط با موضوعات دینی، پرهیز از برگزاری مراسم شاد در ایام سوگواری مذهبی، حضور در فعالیت‌های فرهنگی مساجد (یا مراکز دینی سایر ادیان)، معمولاً آرایش کرده در بیرون از خانه دیده نمی‌شوم، حداقل یکبار

در سال به همسایه‌ها غذای نذری می‌دهم، از دیدن فیلم‌هایی که دینم آن را نهی کرده است، خودداری می‌کنم، معمولاً هر از گاهی مقداری از پول خود را صرف خرید نوارها یا سی‌دی‌های مذهبی می‌کنم، از شنیدن آهنگ‌هایی که با دستورات مذهبی مغایرت دارد، پرهیز می‌کنم، از دیدن نقاشی‌ها یا عکس‌هایی که قوانین مذهبی آنها را نهی کرده است، پرهیز می‌کنم، هنگامی که در میهمانی غذا اضافه می‌آید، آن را برای روزهای بعد استفاده می‌کنم، مهمترین عامل در انتخاب لباس برای من، مطابقت آن با دستورات مذهبی است، بدون ضرورت، لباسی نمی‌خرم، لباس باید تمام بدن را بپوشاند، لباس‌های ساده مناسب‌تر هستند، کنترل تمایلات بر اساس دستورات دینی؛ برای تعریف عملیاتی بکار رفت. پایب آن ۸۳/۳ می‌باشد.

* ارزش‌های عمومی مدرن: ارزش‌های عمومی مدرن بر مبنای ارزش‌ها و عقاید عمومی و هنجارهای اخلاقی رایج در جوامع غربی قرار دارد؛ (همان: ۸۶). این بُعد در حقیقت نشانگر بُعد پیامدی ارزش‌های بنیادی است. سؤالاتی مانند: خرید مارک‌های خارجی را بر مارک‌های داخلی ترجیح می‌دهم، محصولات مارک‌دار را می‌خرم، دوست دارم با آخرین مد‌های روز همراه باشم، لوازم برقی خارجی را به داخلی ترجیح می‌دهم، در میهمانی‌ها باید چند نوع غذا وجود داشته باشد، برای آرایش به آرایشگاه‌هایی می‌روم که معروف هستند و برایم مهم است که ظاهر زندگی‌ام مطابق با بالاترین سطح دوستان و اقوام باشد؛ برای سنجش این ارزش‌ها بکار رفت. پایب آن ۷۱/۸ می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

فرضیه شماره ۱: بین ارزش‌های بنیادی اسلامی و طبقه اجتماعی افراد رابطه وجود دارد. جدول شماره ۴، نتایج بررسی تفاوت میانگین ارزش‌های بنیادین اسلامی بر حسب طبقه اجتماعی پاسخگویان را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های طبقات مختلف اجتماعی از نظر ارزش‌های بنیادین اسلامی، بر اساس آزمون F با مقدار ۲/۲۰ و سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Sig = ۰/۱۱۵$)، معنی‌دار نمی‌باشد، لذا فرضیه فوق رد می‌شود.

جدول شماره ۴- آزمون تفاوت میانگین ارزش‌های بنیادی اسلامی بر حسب طبقه اجتماعی

متغیر مستقل	میانگین ارزش‌های بنیادی اسلامی	انحراف استاندارد	F	DF	سطح معنی داری
طبقه بالا	۲۲/۶۹	۲/۰۱	۲/۲۰	۲	۰/۱۱۵
طبقه متوسط	۲۱/۳۳	۴/۷۲			
طبقه پایین	۲۳/۷۱	۲/۰۱			

فرضیه شماره ۲: بین ارزش‌های بنیادی مدرن و طبقه اجتماعی افراد رابطه وجود دارد. جدول شماره ۵، نتایج بررسی تفاوت میانگین ارزش‌های بنیادین مدرن بر حسب طبقه اجتماعی پاسخگویان را نشان می‌دهد. میانگین نمرات نشان دهنده این مطلب است که ارزش‌های بنیادین مدرن پاسخگویان، بر اساس تفاوت طبقه اجتماعی آن‌ها مقادیر متفاوتی داشته است. بیشترین میانگین ارزش‌های بنیادین مدرن، با مقدار ۵۹ مربوط به پاسخگویان با طبقه اجتماعی متوسط است و طبقه اجتماعی پایین با میانگین ۵۲/۹۰ از کمترین ارزش‌های بنیادین مدرن برخوردار بودند. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های طبقات مختلف از نظر ارزش‌های بنیادین مدرن، بر اساس آزمون F با مقدار ۸/۸۶ و سطح اطمینان ۹۹ درصد ($Sig = ۰/۰۰۰$)، معنی دار است، لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

جدول شماره ۵- آزمون تفاوت میانگین ارزش‌های بنیادی مدرن بر حسب طبقه اجتماعی

متغیر مستقل	میانگین ارزش‌های بنیادی مدرن	انحراف استاندارد	F	DF	سطح معنی داری
طبقه بالا	۵۶/۲۰	۹/۵۱	۸/۸۶	۲	۰/۰۰۰
طبقه متوسط	۵۹	۸/۵۶			
طبقه پایین	۵۲/۹۰	۹/۱۳			

فرضیه شماره ۳: بین ارزش‌های تخصصی اسلامی و طبقه اجتماعی افراد رابطه وجود دارد. جدول شماره ۶، نتایج بررسی تفاوت میانگین ارزش‌های تخصصی اسلامی بر حسب طبقه اجتماعی پاسخگویان را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های طبقات مختلف اجتماعی از نظر ارزش‌های تخصصی اسلامی، بر اساس آزمون F با مقدار ۰/۲۹۵ و سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Sig = ۰/۷۴۵$)، معنی‌دار نیست، لذا فرضیه فوق رد می‌شود.

جدول شماره ۶- آزمون تفاوت میانگین ارزش‌های تخصصی اسلامی بر حسب طبقه اجتماعی

متغیر مستقل	میانگین ارزش‌های تخصصی اسلامی	انحراف استاندارد	F	DF	سطح معنی داری
طبقه بالا	۵۶/۴۱	۱۱/۰۳	۰/۲۹۵	۲	۰/۷۴۵
طبقه متوسط	۵۶/۴۵	۱۵/۷۲			
طبقه پایین	۶۰	۱۷/۱۴			

فرضیه شماره ۴: بین ارزش‌های تخصصی مدرن و طبقه اجتماعی افراد رابطه وجود دارد. جدول شماره ۷، نتایج بررسی تفاوت میانگین ارزش‌های تخصصی مدرن بر حسب طبقه اجتماعی پاسخگویان را نشان می‌دهد. میانگین نمرات نشان دهنده این مطلب است که ارزش‌های تخصصی مدرن پاسخگویان، بر اساس تفاوت طبقه اجتماعی آن‌ها مقادیر متفاوتی داشته است. بیشترین میانگین ارزش‌های تخصصی مدرن، با مقدار ۶۹/۷۲ مربوط به پاسخگویان با طبقه اجتماعی بالا است و طبقه اجتماعی پایین با میانگین ۶۶ از کمترین ارزش‌های تخصصی مدرن برخوردار بودند. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های طبقات مختلف از نظر ارزش‌های تخصصی مدرن، بر اساس آزمون F با مقدار ۴/۳۱ و سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Sig = ۰/۰۱$)، معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

جدول شماره ۷- آزمون تفاوت میانگین ارزش‌های تخصصی مدرن بر حسب طبقه اجتماعی

متغیر مستقل	میانگین ارزش‌های تخصصی مدرن	انحراف استاندارد	F	DF	سطح معنی داری
طبقه بالا	۶۹/۷۲	۷/۸۵	۴/۳۱	۲	۰/۰۱
طبقه متوسط	۶۸/۱۲	۸/۹۲			
طبقه پایین	۶۶	۹/۶۰			

فرضیه شماره ۵: بین ارزش‌های عمومی اسلامی و طبقه اجتماعی افراد رابطه وجود دارد. جدول شماره ۸، نتایج بررسی تفاوت میانگین ارزش‌های عمومی اسلامی بر حسب طبقه اجتماعی پاسخگویان را نشان می‌دهد. میانگین نمرات نشان دهنده این مطلب است که ارزش‌های عمومی اسلامی پاسخگویان، بر اساس تفاوت طبقه اجتماعی آن‌ها مقادیر متفاوتی داشته است. بیشترین میانگین ارزش‌های عمومی اسلامی، با مقدار ۵۶/۴۰ مربوط به پاسخگویان با طبقه اجتماعی پایین است و طبقه اجتماعی بالا با میانگین ۵۲/۸۲ از کمترین ارزش‌های عمومی اسلامی برخوردار بودند. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های طبقات مختلف از نظر ارزش‌های عمومی اسلامی، بر اساس آزمون F با مقدار ۴/۵۴ و سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Sig = ۰/۰۱۳$)، معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

جدول شماره ۸- آزمون تفاوت میانگین ارزش‌های عمومی اسلامی بر حسب طبقه اجتماعی

متغیر مستقل	میانگین ارزش‌های عمومی اسلامی	انحراف استاندارد	F	DF	سطح معنی داری
طبقه بالا	۵۲/۸۲	۹	۴/۵۴	۲	۰/۰۱۳
طبقه متوسط	۵۳/۷۵	۱۰/۲۰			
طبقه پایین	۵۶/۴۰	۹/۵۲			

فرضیه شماره ۶: بین ارزش‌های عمومی مدرن و طبقه اجتماعی افراد رابطه وجود دارد. جدول شماره ۹، نتایج بررسی تفاوت میانگین ارزش‌های عمومی مدرن بر حسب طبقه اجتماعی پاسخگویان را نشان می‌دهد. میانگین نمرات نشان دهنده این مطلب است که ارزش‌های عمومی مدرن پاسخگویان، بر اساس تفاوت طبقه اجتماعی آن‌ها مقادیر متفاوتی داشته است. بیشترین میانگین ارزش‌های عمومی مدرن، با مقدار ۲۲/۶۹ مربوط به پاسخگویان با طبقه اجتماعی متوسط است و طبقه اجتماعی پایین با میانگین ۱۸/۲۱ از کمترین ارزش‌های عمومی مدرن برخوردار بودند. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های طبقات مختلف از نظر ارزش‌های عمومی مدرن، بر اساس آزمون F با مقدار ۳/۲۹ و سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Sig = ۰/۰۴۱$)، معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

جدول شماره ۹- آزمون تفاوت میانگین ارزش‌های عمومی مدرن بر حسب طبقه اجتماعی

متغیر مستقل	میانگین ارزش‌های عمومی مدرن	انحراف استاندارد	F	DF	سطح معنی‌داری
طبقه بالا	۲۲/۶۹	۶/۶۴	۳/۲۹	۲	۰/۰۴۱
طبقه متوسط	۱۹/۷۶	۶/۴۸			
طبقه پایین	۱۸/۲۱	۷/۴۰			

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی ارزش‌ها و هنجارهای رایج در طبقات مختلف جامعه پرداخته است. بر اساس چارچوب نظری زاهد (۱۳۸۴) بطور خلاصه گفته شد که سه مجموعه «فناوری و مهارت‌ها»، «علم و معرفت» و «نظام ارزش‌ها و اخلاق جمعی»، ابعاد مختلف هر فرهنگ را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر فرهنگ هر جامعه را از نظر سطح تحقق و عمق می‌توان به سه لایه تقسیم نمود: فرهنگ بنیادی، فرهنگ تخصص و فرهنگ عمومی. برای دست‌یابی به الگوی فرهنگی هر جامعه با توجه به اینکه هر فرهنگ دارای سه بعد می‌

باشد اگر سه بعد فرهنگ را در سه لایه فرهنگ‌های بنیادی، تخصصی و عمومی ضرب کنیم، ماتریسی برای کل مجموعه فرهنگ بدست می‌آید. بر اساس مدلی که در نتیجه روابط بالا بدست می‌آید الگوی فرهنگی ایران تشریح کردیم و با استفاده از نمونه آماری شهر شیراز به مقایسه آن با الگوی فرهنگی غربی (مدرن) پرداختیم.

جامعه آماری مورد بررسی والدین خانوارهای شهر شیراز بودند که از میان آن‌ها ۳۸۳ نفر را بصورت نمونه گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب کردیم. بر اساس نتایجی که در مورد رابطه ارزش‌های اجتماعی در طبقات بالا، متوسط و پایین بدست آمد، می‌توان یک جمع بندی به صورت زیر ارائه نمود:

ارزش‌های بنیادی اسلامی که در واقع به اصول اعتقادی هر فرد باز می‌گردد، از ریشه‌های اساسی شخصیت افراد است که در دوران جامعه پذیری شکل گرفته است، و به گونه‌ای است که در جامعه‌ای با فرهنگ دینی اسلامی، نسل به نسل منتقل می‌گردد. ممکن است بخاطر همین نکته باشد که بین طبقات بالا (۲۲/۶۹)، متوسط (۲۱/۳۳) و پایین (۲۳/۷۱) از لحاظ ارزش‌های بنیادی اسلامی تفاوت معنی داری وجود ندارد.

ارزش‌های بنیادی مدرن در طبقه متوسط (۵۹) بیشترین میانگین را در میان سایر طبقات دارد (میانگین طبقه بالا ۵۶/۲۰ و میانگین طبقه پایین ۵۲/۹ می‌باشد). از آنجا که در جوامع مختلف معمولاً طبقه متوسط، پیشرو ارزش‌های روشنفکرانه و دموکراتیک هستند، به نظر می‌رسد این یافته منطقی باشد.

در مورد ارزش‌های تخصصی اسلامی همانند ارزش‌های بنیادی اسلامی تفاوت معناداری بین طبقات مختلف وجود ندارد. این ارزش‌ها که در واقع بیانگر بینش‌های افراد می‌باشد نیز، حالتی مشابه با ارزش‌های بنیادی مدرن دارد.

ارزش‌های تخصصی و عمومی مدرن در طبقه بالا (به ترتیب ۶۹/۷۲ و ۲۲/۶۹) بیش از سایر طبقات است و پس از آن هم طبقه متوسط (به ترتیب ۶۸/۱۲ و ۱۹/۷۶) قرار دارد. برای داشتن بینش و رفتار مطابق با ارزش‌های فرهنگی باید در وهله اول آشنایی و برخوردی با آن صورت بگیرد. از آنجا که به نظر می‌رسد افراد مرفه از امکانات مالی و موقعیتی مناسب تری برای مواجهه با چنین ارزش‌هایی برخوردارند، - مثل امکانات تحصیلات در غرب، سفرهای

خارجی و... - بنابراین از میانگین بیشتری در این ارزش‌ها برخوردار هستند. ارزش‌های عمومی اسلامی بیش از همه در طبقه پایین (۵۶/۴۰) رایج بود. افراد طبقه پایین با توجه به شرایط زندگی، محیط پرورش یافتن، پابندی بیشتر به دیدگاه‌های سنتی، به نظر می‌رسد که در بُعد پیامدی دین یعنی پابندی به فرایض و مناسک دینی، بیش از افراد سایر طبقات ملتزم باشند. از این نکته نباید غفلت کرد که هر چه انسان از جهان بینی‌ها و اعتقادات اولیه خود دورتر شوند، احتمالاً رفتارهای متناسب با آن‌ها را نیز کنار می‌گذارند. بنابراین طبقه بالا و متوسط که بیش از طبقه پایین از ارزش‌های بنیادی و تخصصی اسلامی دور شده‌اند، قاعدتاً در مقایسه با طبقه پایین، از ارزش‌های عمومی اسلامی نیز دورتر خواهند بود (به ترتیب با میانگین ۵۲/۸۲ و ۵۳/۷۵).

چنانچه از مرور تحقیقات گذشته بر می‌آید نتایج پژوهش حاصل با تحقیق کسانی چون خیر (۱۳۷۶)، علمی (۱۳۸۴)، شوارتز و شالم (۱۹۹۲) و جیسکینگ (۲۰۰۷) همسویی دارد. بر این اساس می‌توان گفت معمولاً هر طبقه‌ای در جامعه از یکسری ارزش‌ها و سبک زندگی^۱ برخوردار است که متمایز از سایر طبقات است. به نظر می‌رسد که افراد طبقه بالا تمایل بیشتری به سوی ابعاد مختلف ارزش‌های مدرن دارند و آن را نسبت به ارزش‌های بومی ترجیح می‌دهند.

منابع

- ۱- پوریانی، محمدحسین (۱۳۸۵)، «تبیین مفهوم ارزش با رویکرد جامعه‌شناختی»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۷۷-۵۰.
- ۲- جهانگیری، نادر؛ افخمی، علی و کوچک زاده، فهیمه (۱۳۸۶). «گسترش واژگانی و ساختاری زبان نوشتاری دانش آموزان مقطع ابتدایی بر اساس متغیر طبقه اجتماعی در چارچوب نظریه بازیل برنشتاین» پژوهش‌های زبان‌های خارجی، شماره ۳۸، صص ۲۱-۳۷.
- ۳- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.

- ۴- خیر، محمد (۱۳۷۶). « بررسی رابطه برخی از شاخص‌های طبقه اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در گروهی از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان نظام جدید»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره دوازدهم، شماره دوم، صص ۷۷-۱۱۳.
- ۵- زاهد، سید سعید (۱۳۸۴). « در باب توسعه فرهنگی در ایران»، *راهبرد یاس*، سال اول، شماره سوم، صص ۸۱-۹۲.
- ۶- علمی، محمود (۱۳۸۴). « مطالعه گرایش دانشجویان به ارزش‌ها و رابطه آن‌ها با طبقه اجتماعی»، *نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز*، صص ۱۰۳-۱۳۴.
- ۷- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۷). *نابرابری و قشربندی اجتماعی*، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- ۸- کوئن، بروس (۱۳۸۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- ۹- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۱) *شناخت در قرآن*، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۱۰- مهرآیین، م. و عبدی، م. (۱۳۸۵). « رابطه بین طبقه اجتماعی دانش‌آموزان و میزان یادگیری آن‌ها»، *فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی*، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۵۷-۱۷۵.
- ۱۱- وثوقی، منصور و اکبری، حسین (۱۳۸۹). *روندها و عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها یک مطالعه تطبیقی*، برگرفته از سایت www.noormags.com [۴-۳-۱۳۹۱].
- 12- - Fatheringham, J.B. & Creal, D.(1980) "Family Socioeconomic and Educational-Emotional Characteristics as Predictors of School Achievement", *The Journal of Educational Research*, 73 (1), p.p. 311-317.
- 13- Gieseeking, J. (2007). (Re)constructing women: scaled portrayals of privilege and gender norms on campus, *Area*, Vol. 39, No. 3, p.p. 278° 286.
- 14- Lin, Nan (1978). *Foundations of Social research*, New York: McGraw Hill.
- 15- -Maqsud, M. "Relationship Between Locus of Control to Self-Steem, Academic Achievement, and Prediction of Performance among Nigerian Secondary School Pupils", *British Journal of Educational Psychology*, Vol 53, 1983, p.p. 215-221.
- 16- Morgan G. Ames^{1,2}, Janet Go², Joseph Jofish Kaye², Mirjana Spasojevic, Understanding Technology Choices and Values through Social

- Class, CSCW 2011, March 19° 23, 2011, Hangzhou, China. Copyright 2011 ACM.
- 17- - Owen, Ann L. & Julio Videras (2009). Reconsidering social capital: a latent class approach, *Empir Econ*, No. 37 :555° 582.
- 18- - Rodman, Hyman (2011). The Lower Class Value Stretch, *Jlerrill-Palmer Institute*, Downloaded from <http://sf.oxfordjournals.org/> by guest on December 9, 2011.
- 19- - Schwartz, Shalom H. (1992) Universals in the Content and Structure of Values: Theoretical Advances and Emperical Test in 20 Countries Zanna (Ed.), *Advances in Experimental Social Psychology*, Vol 25, pp. 1-65.
- 20- Swan, Eric (2005). " Welfare Spending Gudgments Through Class, Race, and Gender Lenses", *Journal of Poverty*, Vol.9(4), p.p. 49-65.
- 21- Vaitkiene, Rigmaile & Inga Stankevica (2011). " Improving the Interaction between Business and Consumers", *Journal of Socioloical Mokslai*, Vol.2, No 72, p.p. 24-38.
- 22- Warner,L. (1960). *Socail Classes* , Cambridge University Press.

